واژگان چند معنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم

محمود شهبازی¹، علی اصغر شهبازی²

¹- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اراک، ایران
²- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه اصفهان، ایران

درایافت: 7/3893
چپ‌بندی: 5/11/93

چکیده

زبان قرآن کریم، زبانی با معانی چند لایه و چند بنی است که از جنبه‌های اعجاز آن به شمار آید. بر اساس روابط، قرآن کریم در هفت‌ها در خود دیگر، از روابط هنری در نمایش بازی می‌کند. نگاه قرآن به‌ره‌های در خود جلب نموده و تلاش‌های فراوان، در جهت کشف معانی آن انگیزه داده‌اند. واژگان «چند معنا» در مصطفی شرفی، بیش از یک معنا و مفهوم، را در نهاد خود جای داده‌اند: از این راه همواره تهیه‌های مفهوم در این دست از واژگان حضور دارد که توجه به آن در دریافت مقصود و ترجمه آيات نشی به سر ایفا می‌نماید.

در نوشته‌های مختلف با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، ترجمه شماری از واژگان چند معنا مورد بررسی واقع گشته است. این بررسی بیانگر آن است که مترجمان همواره در برگردان این نوع از واژگان یکدست بوده و گاه معنی متافات از یک دیگر، انتخاب نموده‌اند. توجه به سبیق و بافت آیات و اهمیت به جنبه‌های چون ریشه‌شناسی واژگان، از مهم‌ترین راه‌های کاهش‌گرها در فرآیند ترجمه واژگان چندمعنا به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مفرادات قرآن، معناشناسی، چندمعنایی، ترجمه

Email: M-shahbazi@araku.ac.ir

*نویسنده، مسئول مطالعه:
۱ - مقدمه

زبان قرآن کریم، این سروش آسمانی سرشار از معانی چند لایه و چند بعدی است که از جنبه‌های زبانی و اعجاز آن به شمار آید. بر اساس رویایی، قرآن ازون بر ظاهر، در هفت یا برخی دیگر از روایات، هدف را با طبیعتی استیل شد. قرآن ظاهر واقعیاً و طبیعتی بوده است. قرآن با ما یعنی باطن عمق در نهج البلاغه می‌رود اشاعره بوده است. قرآن ظاهر به تن نبوده و به اختصار عربی (خطه ۱۸)، حاکی این است که این کسره عمق معنا، معناشناسی و ازگان و تأمل بر ابعاد معنایی آنها، آغازی برای فهم آیات بوده و ضروری اکثراندازی در حوزه ترجمه آیات صحف شریف دارد. ازگان چند معنای قرآنی، حالت معنایی و مفاهیم چند لایه است؛ از این رو و در حوزه ترجمه و ذکای را برای آن به کار می‌بریم، معنا دیگر نیز در بهنه‌کامل حضور داشته و نیست معنی‌ها انتخاب شدند در زبان ترجمه، را تنه نمایند و برای ترجمه و ازگان قرآنی دانست؛ چرا که زبان ترجمه، باید به نقل آیات معنایی و زبانی آنها نبست، در این باره، نگارنده، کتاب "دلایل آلفا" و "دلایل آلفب" در فصلی با اشاره به چالش پیش روی، مترجم در انتقال دلالت حقیقی و ازگان متن مقداد، بر این نکته تأکید دارد که آگاهی بر الالفاق قرآن بسیار مشکل است و ممکن است مترجم در درک آنها دچار اشتباه شود و توانایی، خوبی معنا و بیان عبارات و الفاظ را متوقف کند، وی این نکته اشاره دارد که بسیاری از اندیشمندان در طول تاریخ، ترجمه متنی را چون چنین می‌گویند، گل‌کار، اصلی خود می‌دانند که در میان راه، که گونه و شعر، و راهی آن از میان می‌رود، یکباره، خواننده می‌پیامد می‌پیامد، برای درک و دریافت ظرافته و زبانی‌های آن، متن اصلی را پیش روی نهاده‌اند (درک، انیس، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

چند معنایی، از نهاد بدیهوی به تمام مشترک لغت یا با به عصره می‌نده، بدیهوی که با وجود اختلاف نظر فرائنس پیما در باب آن، در آثاری متعدد، بررسی شد، با این وجود، مرز دقیق و روشن میان آن و بدیهو، نواحی بسیاری نگشته‌امروی که زبان‌شناسی جدید به بیان تمایز آن دو اهمیت داشته و بر خلاف زبان‌شناسی سنتی آن را می‌پذیرد، جدا از
1. Lexical polysemy

اهر سخن، آمیزه‌ای از لفظ و معنای، معنا، جوهر و ماده سخن است که در پوسته‌ای به نام لفظ، پوشیده می‌شود، و به تعبیر دیگر، مقصود و جان‌ماهی سخن است، نقاش با رنگ و خطوط، موسیقی‌دان با نغمه‌ها و اصوات و ادبی با بهره‌گیری از واژه‌ها و صوت‌های

1. Lexical polysemy
معنای‌دار مقصود خویش را به مخاطب خود انتقال می‌دهد. تأثیر در معنای و چیستی آن، از مبادله دریکای زبان است. روابط میان لفظ و معنا و طبیعت واژگان و مفاهیم آن، از مسائل مطرح در مبان علمی گذشته است. ابن رشیق (۴۵۳ق) معنا را «روح کلام» می‌داند و معتقد است ارتباط آن با لفظ به منابع ارتباط روح با جسم است. آن گونه که، اگر هر یک درخیل شود، در دیگری هم تأثیر می‌نگد. (ابن رشیق، ج ۱: ۱۲۴). صاحب

الملس السلطان» نیز، برخلاف بسیاری از زبانگان چون: جهاد (۲۵۵ق)، قدامه به بن جعفر

(۳۳۷ق) و ابوهلال عسکری (۳۹۵ق) که ساخت بیرونی و شکل و لفظ را معیار برتری سخن برمی‌شمارند، اهمیتی ویژه برای معنا قائل است و در تقابل لفظ و معنا، جنب
معنا را گرفته و افراز را در شکل معنایی می‌داند (ابن اثری، ۱۳۹۷). برخی دیگر نیز
چون جرجاتی (۴۲۱ق)، قائل به دوگانگی لفظ و معنا به‌نوعی و هر دو را در خلق کلام زبان
ضروری می‌شمارند به هر روزی، چنان‌که بیان شده، معنا، اندیشه‌ها و تصویری است که از میان
قلب، آشکارا یا نهان، مفهومی یا عمیق، مطالب با آن قابل و شکل ایجاد می‌کند، ظاهر
در زبان‌شناسی و معموری چند مدل است و نقل شدن معنای برای
چیزه، در نظر گرفتن جهتی برای آن است، به عبارتهای دیگر معموری، وجودی شکل نابه
است که معناشناسی سعی می‌کند با شکل دادن و نظم بخشیدن به آن، آن را قابل درک نماید
(شعری، ۱۳۹۷: ۷) و در واقع، معموری است که در جهان خارج وجود دارد و پی
مفهومی است که بر حسب مصداقها به صورت نوعی تصویر در ذهن سخنگویان زبان

1. Semantics

۲- ۱- تقسیم معنایی در معناشناسی

پژوهش و تأثیر در باب معموری و مطالعه آن، زبان‌شناسان معاصر را به پای‌گذاری شاخه‌ای
نو در زبان‌شناسی کشاند که به معنای‌شناسی ۱. علم الدلاله شهروند دوچه‌گشت. اگر زبان‌شناسی

1. Semantics
واژگان چند معنا و اهمیت آن در ترجمه فارسی کریم

به شکل عام، بررسی واژها را بر عهده دارد؛ در مقابل، اصحاب این شاخه نوین، به طور خاص، به جوهر واژگان و مضامین آن پرداخته و سعی دارند با آگاهی از لایه‌های معنا، در تحلیل مفروضات متنوع، توافق یابند؛ این رو، برای مطالعه دقیق‌تر، آن را در اقسام چون:

معناي مرکزی (معناي اصلي)، معناي عرضي (تانوي)، معناي اسلوبی، معناي ذاتی (فردي).

معناي ايجادي و غيره بررسی مي كند. گذشتگي از اين دسته بندی، تقسيم‌بندی تازه‌ای از انواع معنا در معاوضاسبسي ارائه گشته است که با انواع آن در زبان‌شناسي کلاسيك متفاوت است.

در تقسيم‌بندی جديد، ضمن بررسی جزيي اقسام معنا، ميان اشراک لفتغي، كه در گذشتگي شامل چند معنايي و واژگان همان بود، تمایز ايجاد شده است.

در زير توضيح هر یک بیان مي شود:

1 - هممعنی: دو یا چند صورت با رابطه معنایي خليه تنديک كه در جمله با تواند.

جاگبرين یکدیگر شوند: مانند: زيا و قشنگ.

2 - تشاد معنایي: دو صورت با معنای مختلف را تشاده معنایي کنند، مثل: بالا و پایين.

3 - شمول معنایي: معنای یک صورت، معنای صورت ديگر را در برگیرد، مانند:

ماشین و اتومبيل.

4 - همآواي: دو یا چند صورت نوشتاري مختلف، که داراي تلفظ مشابه باشند;

مانند: قار و گار.
5- همبندی: یک صورت نوشتنی یا گفتاری، دارای یک یا چند معنا نامرتب

باشند. مانند: شیر (مفهومی تبار، 1384: 162-163).

3- تعريف «چندمعنایی»

درکگونی و پویایی هر زبان، موجب تحویل معانی الفاظ را فراهم می‌آورد، این
درکگونی که بی‌تأثیر از عواملی چون: عامل اجتماعی - فرهنگی، عامل روحی - روانی
و عامل زبانی نیست (عبدالجیلی، 2001: 70). گاه بر دایره معنای یک واژه افزوده و
ابعاد معنایی آن را گسترده می‌سازد تا بی‌بی‌ای، نازه با عووان «چند معنایی» گام به
عرشه نهاد. به گفته پالمر، صاحب کتاب «نگاهی تازه به معنی شناسی»، «ما در شیوه
زبان‌ها، نهایاً با واژه‌های مختلف که دارای معنای گوناگون هستند، سرو کار نداریم، بلکه
به بعضی واژه‌ها برمی‌خوریم که به خودی خود، از چند معنا بر خوردار هستند، این
مسئله را «چند معنایی» و چنین کلماتی را واژه‌های «چند معنا» می‌نامیم (پالمر، 1385:
115) و به دیگر سخن، «چند معنایی» آن است که یک واژه قاموسی، در بردارنده معنای
و دلالت‌های مختلفی باشد (پالمر، 1382: 58). این پدیده زبانی، در سطوحی
مختلف چون: تکواز، واژه، گروه و جمله، شکل می‌باید. چندمعنایی در شرایطی تحقیق
می‌باید که یک واحد زبان از چند معنی برخوردار باشد و در مقوله دلار و چندگانه
امکان طرح باید. چند معنایی در دو سطح تکواز و واژه را «چندمعنایی وازگان»
می‌نامند (صفوی، 1379: 45). که از محاصره و طریفی زبان ادبی به شمار آید: «زیرا
زبان شعر و ادب زبان خبر نیست، بلکه زبان زبانی آفرینی و عاطفی است: نازه و یا
چند معنایی بودن نه تنا اجادات اخلاق نمی‌پذیرد بلکه هر چه معنایا و ابعاد آن بی‌بی‌ای،
بی‌بی‌ای، و شکفت‌گیری است» (روح‌الدوله کامل، 1380: 122). حال با توضیحاتی که پیان
شد، باید اشاره نماییم که برای چند معنایی در قرن‌کریم می‌توان دو وجه متصور شد، یا

1-Polysemy
2- Palmer

52
واژگان چند معنا و احتمال آن در ترجمه قرآن کریم

محمود شهابی و همکار

مرز آن با دیگر اقسام، معین شد:
الف– نخست آن که واژه‌ای دارای چند معنا بوده و در هر موضعی یکی از معنا آن به کار رفته از این مقوله در علوم قرآنی با عنوان پدیده‌ی "توجه و نظارت" یاد می‌شود (در ادامه توضیح آن خواهیم آمد). برای نمونه از لفظ "ظری" در موارد مختلف در آیات، معنای مختلف به دست می‌آید; نمونه‌های آن در زیر می‌آید.

۱- در این آیه از سوره احزاب: "و تغییر به الفظون (احزاب ۱۰) ظری" به معنای "بداندیش" است;

۲- در آیه: "إن يَغْرَبُ ٰأَن َلْيَخْرُجُ" (انشقاق ۱۴) مقصود از "ظری"، "بداندیش" است;

۳- از دیگر معنا آن که در این آیه از سوره "صر" هم ذکر گشته است، "فیقین" می‌باشد: "وُ ظِنُّ دَاوْنَا أَنَا فَتَّاهُ" (ص ۲۴)، (درک تفسیری، پی ۱۹۸).

(به) درون آن که یکی از لفظ در یک موضع واحد، افاده معنا متعدد نماید، برای نمونه از واژه "سلا" در آیه ۴۳ سوره نساء دو معناى متفاوت، یکی "انجام فرضه نمایی" و دیگر "محل نمای" (مسجده) برناشت می‌شود و هر دو به حکم سباق آیه درست است: "لا تغییر اضافه و أَنْمُ سَكَابَرْ خِيَ تَغْلَمْوَا مَا تَغْلَمُوَا وَ لا جَبَأْ إِلا عَابِي ضَيْل خَيَ تَغْلَمُوا" (نعام ۴۳) (مقصود ما از جنده معنا رنگ مذکور است).

۱- دیدگاه‌های مطرح در "چندمعانی" واژگان

در میان علمای اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی در امکان فوق چند معنای در زبان عربی و قرآن، مطرح است. برخی از علمای اصول، با رد اصل این پدیده در زبان عرب و قرآن، دلایل لفظ، بر پیش از یک معنا را جایز ندانسته و معتقدند: "لفظ واحد در آن واضح قرار می‌دهند، معنی تواند فاقد در دو معنا باشد و مرات برای دو معنا باشند، چه معنای خیقینی و چه معنای مجازی، چنان که آینه معنای تواند را نشان دهد.

۱ برای اطلاع از تفکیک این دیدگاه‌ها رک صادقی، ص ۱۷۵-۷۹.
2.3 - اقسام جند معتنی در قرآن کریم

تاريخ علوم قرآنی شاهد پیاده کنیست که به طور خاص، به پژوهش در جنبه‌های متعلق به اهمیت داشته است. کتابی با عنوان تفسیر لغوی، مفراد قرآن، مجاز قرآن و غیر قرآن از این دست است. همچنین، نقاشی‌های با عنوان «الوجه و النظاره» یا «الآشیاء و النظاره» نیز در این راستا به چشم مخورده که در این مؤلفان و ازگان هم شکل که در متعلقین مختلف تجلی یافته را مورد بررسی قرار می‌دهند. غرب از «وجه و نظاره» این است که یک‌واژه در باندهای آیه‌های قرآن چنین گردید که با وجود همانی در لفظ و آوا در هر باند، متعلقین مختلف از درکی بی‌بیان در وجوه و نظائر، مراد از وجوه، معنا و مراد از نظائر، و ازگان هستند. برای نمونه برای کلمه «المستی» به

گفتند است كه پديده «وجوه، و نظاره» در شمار اشترک لفظي جاي مي گيرد، ازون بر اين پديده، برخی از از وازگانی در آيات قرآن را می توان از شاخهها و خانوادهای لفظی گوناگونی دانست و ريشهای مختلف برای آن ذکر نموده كه آن نيز در داريه اشترک لفظی مي کند. برای نمونه در اين آيه از سورة بوسف: «لذذين أحستوا بالفاحشى» (بیس 49) «و كاتبو من بعد ذلك عام فيه يتغيير الفاحشى و في özgüرون» (بیس 49). آن گاه پس از آن، سالي فرا مي رسد كه به سروي در آن سال، باران مي رسد و در آن آب، ميوه مي گيرد كه، وازه، «بغيارت» از مشترک لفظی به شمار آيد; چرا كه از منظر واژشناختي مي توان آن را از ريشه، «غيرة» به معناي نصرت و بارى پنداشت و هم از شاخههاي جزء، يعني «غيث» دانست كه به معناي باران است.

ولي مقصود ما از جند معنايي، چنانكه پيشتر نيز اشاهرد شد، آين است پس واژه نه در آيات گوناگون، بلکه در ماهه (رشته) و سيافتها واحد معناي متعادل داشته باشد كه به راستي حکمتي از حکميت فرآني و نشاني از عمق جنوس قرآني سه كه گاه موجب ايهام در زبان ترجمه مي شود. برای نمونه در ترجمه اين آيه از سورة عيسى: «فلبصغ الأنسان إلى طاعيه» (عيسى 24) لفظ «طاعه» مطلق با ظاهر آيه غذايي است كه مسئول تناول مي كند؛ اما با نگاه در برخی از روایات از مصوصين (ع)، معناي آن را مي توان علیمی دانست كه انسان آن را فرا مي گیرد؛ بنابراین، با توجه به آن مي توان معناي دبیغي برای آيه ذكر نمود (طيب حسیني، 1389: 147). همچنين در اين آيه از سورة عيسى: «ف يبصغون الطعام على خير مسببه» 55
4- اختلاف مترجمان در برگردان وازگان جند معنا

حال آنچه در اینجا اهمیت می‌پذیرد، چگونگی برگردان این دست از وازگان به زبان های دیگر است. بی‌گمان انتقال تمام معانی و مفاهیم زبان قرآن، در ترجمه، امری دشوار و گاه محال بوده و نشان از حقيقة دارد که دنبال وازگان در ترجمه بسی گسترده از آن است که معانی و هنرهای منی اصلی را به نمایش گذاردند، بنابراین، وازه‌گونی مناسب با من اصلی، که توان انتقال کامل مفهوم در فرآیند ترجمه را داشته باشند، امری ساده نیست و هر از آنها در ترجمه را نیازی به اهداف کامل مفصل منی اصلی تصور نموده‌اند از این روسته که زبان شناسی جدید با این تناها ارسطو که معقول بود برای هر وازه در گزارشات مترادف مطلق با آن، در زبان دیگر یافته، مواقف نیستند (مختاری، 1366: 249). دشواری این اما در وازگان جند معنا، نمونه بارزتری دارد و ابهام حاصل از ابعاد معنایی، ترجمه را در دریافت و انتقال معنا در دشواری قرار می‌دهد، به طوری که در نگاه برجی بررسی هیچ موضوعی در معنی شناسی و به ویژه در ترجمه به اینجا می‌رسد که در نگاه برجی دشوار نمی‌نماید (صفوی، 1360: 32) خاصه آنکه، جنگ معنایی وازگان از جنبه‌های نیز شکستی قرآن است که در زبان ترجمه از میان می‌رود.
متن به فارسی
بهرامبور: «پس هم چون زمین یابیر گردیده».

پایبند: «و همانند (باغ) چیده شن».

فیض‌الاسلام: پس باغ مانند باغی گردیده بود که میوه‌اش چیبده و درخت‌هایش پریده

شده باند.

در این میان، مترجمانی نیز به شرح جنبه‌های مختلف معاذا اهتمام داشته‌اند که به سه

ترجمه زیر اکتفا می‌نماییم:

مشکینی: «پس آنجا به صورت باغی میوه‌هاش چیبده شده و درختانش سیاه و سوخته

درآمده». 

رضایی و همکاران: «همچون درختان قلع شده (و خاکستر شده) گردیده».

پاسری: «آن باغ مانند پل ریگی شده بی‌گاه با مانند خاکستر سیاه».

نمونه دوم: نمونه دیگر چند متن‌بی شده‌ای را در این آیه: (و آنگم سامدون) (نجم 61) شاهدهم.

کلمه «سامدون» تجلى بخش معانی جنگانه و متفاوتی است که مفسران به پاره‌ای از آنها

اشته کرده‌اند: 

الف) تکبر و غفلت: زیرا راست حکمت کردن و سر را به طرف بالا گریختن کتابه‌ای از

تکبر می‌باشد و هر متن‌بری غافل نیز هست.

ب) آواز خواندن: زیرا کسی که آواز می‌خواند سر ش را به طرف بالا می‌گیرد.

ج) لهو و لعیب: زیرا آواز خوانندگی که از معانی مهم این واقعه است از مشهورترین

انواع لهو و لعیب می‌باشد.

د) خشم: زیرا کسی که خشمگین است، راست می‌یابند (زرعک، طبرسی، 888، ج. 9) 

278، طباطبابی، 1417، ج. 19، 51) 

حال با بررسی ترجمه‌ها، به نظر می‌آید که برخی سعی در بیان غالب ابعاد این واقعه

بوده‌اند؛ همچون ترجمه‌های زیر:

58
فیض الإسلام: «شما غافل و ناکاه بوده و بارزی کنندایی».

اضریان: «و همواره سرکشی می‌کنید و غافلگیری به خوشی و خوشگذرانی مشغول هستید؟».

مشکی‌پور: «و شما استکبار می‌ورزید و آواز می‌خوانید و در لهو و غفلت؟».

استادی: «و پیوسته غافلگیری و به هوساران سرگرمی؟».

و برخی دیگر چون: قمشهی، پایند، کرماندوی، فولادوند، امامی، صفار زاده و بهرامپور تنها به ذکر یکی از معانی آن می‌گویند، بوده‌ی «غفلت» اکثراً کرده‌اند.

نمونه سوم: «واژه نجوم» نیز در این آیه مارکات: («المثل إذا هو») (نجوم1)، از وازگانی است که از تهیه مفسران، افزاده معانی مختلفی چون: «آیات قرآن»، «گیاه»، «اجرای آسمانی»، «ستاره» و غیره دارد. در ترجمه‌های فارسی و جه مقبول معنا‌یابی این واژه، یعنی: «ستاره» در نظر گرفته شده است. برخی دیگر از مترجمان چون آیت الله مشکی‌پور معنی دیگر این واژه را به عنوان افزوده‌ی تفسیری در مبان پرانتز بیان داشته است.

مشکی‌پور: «سونکه به سمت‌های هنگامی که طول و غروب کتیبه به شهاب ناقب زمانی که بر احتیه و شیاطین فرود آید، یا به گیاه زمانی که سر برآورد، یا به اقتصاد و آیات قرآن هنگامی که به مرکز و حنای نازل گردید در مبان ترجمه‌های کهن نیز، مفهوم را از نجوم را آیات قرآن دانسته و آیه را این گونه ترجمه نموده است: بپاره‌ای از قرآن هر که قرود آید از آسمان‌ها.

نمونه چهارم: «کنارهم حفر منشق‌تره قرف من فشحثه» (مدثر 50-51) «فسرده یفسره فسحه» به یعنی بر او چیره شد، این اعرابی می‌گوید به تیرانداز، شبیر، انسان شجاع و آغاز شب قبز» کوینه (ابن منصور، ج5:92-93). طبرسی در معنای واژه می‌گوید:
قسمه به معناي شير است و نيز گفته شده منظور، ترندازان هستند که از ماده فسره ی پرسره فسرا یعنی بر او غله کرد، مي باشد (طبري سن. 988، ج. 10: 590).

واژه "قسره" از فعل "فسر" به معناي چيره شدن، مشتچشع الشع است در ميان معانى واژه "قسره" يك هسته معنايي موجود دارد و آن هم چيرگي و سيطره مي باشد. شب قصور نامیده مي شود؛ جرا كه تاريكي آن بر جهان سيطره مي گيرد. شير با دردغي اش و صحابندان ترندازان با افزار خوشين بر حيونات چيره مي شوند. به نظر مي آيد هر چهار معنایيا بانتف آي هم خوانی دارد اما در ميان ترجمهها، برگردان اين واژه به "شير" از بسامد بالایي برخوردار است، هر چند برخی از متبرکان سعی در دين معانى ديگر نيز بوده‌اند.

استاد ولي: كه از دم شير (يا شكارچي) گريخته‌اند.

مشکيني: كه از جنگ صبادي (يا شيروي) گريخته‌اند.

خسروي: كه از شير (يا مردمان تير انداز و شكارچي) مي گرديند (يعنی چنان كه خرس بجانان كه خرس بجانان كه خرس بجانان كه خرس بجانان كه خرس بجانان كه خرس بجانان). بيشاباني از آنها مي غزيده ايشان از استعما قران مي غزيده زيرا كه گوسخ ششون و دل پنده‌ی ندارند.

ابوالفتح رازي: كه از شير گريخته‌يا در دشت از صباد گريخته‌اند.

غازگان چند معنا و اصیب آن در ترجمه قران کریم

مجید شهبازی و همکار

عادل، وجه نخست معنا (تاریخی شب) را در نظر گرفته. ولی برخی دیگر در برگردان این آیه شریف به نظر نکرده اند. اشاره داشتهاند:

مکارم شیرازی: "و از شر هموجود شرور هنگامی که بیانه وارد می شود".

مشکی: "و از شر هم موجود شرور تاریک آن گاه که درآید و فرا گیرد، و از هر موجود شروری که هموجود آور..".

حججی: "و از شر هم موجود مراحمی هنگامی که وارد می شود".

برخی از متبرکان نیز با افزوده‌های این لفظ را شرح داده‌اند:

الهی قمشه: "و از شر شب تاریکی که (از پی آزار) در آید (و حشرات مؤذنی و جنایی‌کاران و فتنه انگیزه را به کمک ظلمتش به ظلم و جور و ستم بر انگیزه)

فیض الامام: "و از یبدی (حوادث و پیش‌سازهای) شب تاریکی که بن تاریکی آن رو آور" (و فساد‌کشکان و تباه‌کاران در آن تاریکی آشکار گردند، و دام سختی و کُرفتاری و پیش‌سازهای بس را در راه مردم بگسترانند.

کاویانی‌پور: "و از شر شب تاریکی هنگامی که درآید (و مفسدان و تباه‌کاران بشر را برشارت پرداختند).

استادی: "از شب شب تاریک آن گاه که درآید (که موجودات شرور در آن پراکنده شوند).

5- ترجمه و ازگان چند معنا در قران

حال باید پرسید که معیارهای انتخاب معادل مناسب در برگردان این گونه از وازگان چیست؟ به عبارت دیگر، مترجم با توجه به دلایل مختلف برخی از وازگان قران و چندمعنا بودن آنها، چگونه برای‌پذیرش مناسب در زبان مکرمت برمی‌گردد؟ پاسخ آن است که در فردی ترجمه ابتد این نوع از وازگان اولاً باید توجه داشت که معانی متعدد
درصد‌های مطلوبات ترجمه قرآن و حديث

در برداشت شده از یک لفظ، نیابت‌باید دیگر آیات محکم قرآن و روایات معصومین (ع) در تعارض باشد؛ این با بیان روابط بین‌المندی، سباق و بلافاصله آیات، ملاحظه می‌گردد که میان ویژه متفاوت مفعول، وکی مقبول انتخاب گردد، در ادامه با ذکر مثال‌هایی در راهکار مهم در ترجمه این نوع ویژگی را توضیح داده می‌شود:

1- تحلیل وازگانی

تجلیل و ویژگی‌نامه ویژگان از نخستین کامها در فرانسه ترجمه است. مرجم با بیان نیابت وازه، ذکر بررسی‌یافته، ماه‌العلی و سیره تاریخی آن، به معنای حقیقی و مجازی آن پی می‌برد. تأمل در مسیر معنا و را به این که یک وازه در کتاب‌خانه قدیم آن، چه باری از مفاهیم را بر دوش می‌کشد، رهنمون می‌سازد. برای نحوه در این آیه شریف:

\[
\text{\"ینا نَّزلُ علیهم مِنِ النَّاسِ آیهَا فَظَّلَ أَعْثَانَهُمْ لِها خَاضِعَينَ\"} \]


نگارنه‌ی کشافی، نیز می‌نویسد: «مراذ از «اعانه» مراذ از مردم سرا و پیشوا آنان است و همانگونه پیشواهان به روسار، نواصی (مُر می‌پیشان) و صدور (سِبْحَانَا) همانند می‌شوند، در اینجا هم به «اعانه» تشبیه شده‌اند، برخی هم آن را گروه‌های مردم دانسته‌اند.» (این فارسی، 2008، ج: 306-305). حاکی با این توضیح می‌تواند در ترجمه این ویژگی را در آیه شریف دو معنا را بیش‌نمود.
واژگان چند معنا و اهمیت آن در ترجمه قران کریم

1- اگر باخاوهیم از آسمان نشانهای بر آنان فرو فرستیم، آن‌گاه گردن مردم در برابر
آن نشانه، خم می‌شود. در این معنای‌اندازه‌هایی معنای حقیقی‌دارد.

2- اگر باخاوهیم از آسمان نشانهای بر آنان فرو فرستیم، آن‌گاه برگزیده‌ای قوم در برابر
آن خشوع می‌کند (تا چه رسید به خود مردم). در این معنای‌اندازه‌های مجازی‌دارد.

همچنین در این آیه شریفه‌هایی از واژگان چندمعنایی: (فشارشون شرب الیم)

(واعظه‌های) هیام مردی است که شریف که شت باشدش هشیش، و می‌باید به آن بدهی، و ضرب مثل
شده بیان کند که به شت و تهیه شده است. (هیام من الرما) یعنی شنای
خشک که گوید به شدت عطش داریدن، (ی artyku اصفهانی، ۱۴۳۱:۱۴۸)، این منظور می‌پ
گوید: هیام همیا یعنی متحیر و (مرغای هیمام یعنی بهبود بی آبی) (این منظور، ج2:۸۲).

نتیجه: واژه به لقب از فعل «هیام» می‌باشد که به معنای عطش بسیار است.

این واژه جمع «هیام - هیمام» می‌باشد، در این صورت واژه به معنای شریف است که از
آب سیر نمی‌شود، این واژه هم‌چنین می‌تواند جمع «هیام» باشد که به معنای شن روان و
ریگاری است که با آب سیر نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان آیه را این‌گونه معنا کرد:

1- این معنی نوشته که آن‌ها را سیر کند همان‌گونه که شن‌های روان سیر کن

نیم‌شونده.

2- و همچون نوشیدن شتران عطش زده آب مینوشید.

5- توجه به سیاق و بافت

از جمله اصولی که مترجم باید به آن می‌تواند به مقصود آیات دست یابد، فروغ و
سیاق آیات است. سیاق مصدر فعل «سیاق - سیاق» و در اصل سیاق بوده است که به
دلیل کسره سین حرف «زون» به یک تبدیل کشته است (رک. این اثر، ۱۹۵۹:۲).

6- Context
در صفحه‌های مطالعات ترجمه فرانسوی و مطالعات عربی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹

و از معنی‌اند که موضوع، استراتژی و روش از پی‌کشیدگی آمدن در چیز
اشاره کرده (برچم و شالی، ۱۳۹۱: ۹۱). متجمی از لحاظ با سبک آیات شناخت
را می‌تواند. موارد از سبک‌ها سیاهی یک جمله با مجموعه‌ای از جمله‌های که
از راه‌های آن مفهوم خاصی به هم می‌رسد، جریان یکی یک جمله به فاطیه که در آن
به کار رفته، جهت معنا‌برداری خاصی می‌بخشند و جریان کلی مجموعه‌ی کم‌من، به هریک
از جمله‌هایی که در آن آمد، جهت مفهومی ویژه‌ی که (تیموری، ۱۳۸۱: ۶۲). این معیار
هم زبانی از دیرباز در میان قرآنی‌های مطرح بوده است؛ برای نمونه زرتشتی، مؤلف
"الهران" در علوم الفاظ، با استفاده از سبک سیاه، آن را به‌دره تیر راهنمای رای
دست‌بایی به مقصود من داند (زکریا، ۱۳۸۰، ج. ۲: ۳۱۳). سبک را می‌دانند در زمره
می‌بخش که امروزه با عنوان "بافتن" مطرح است، جای داده‌هایی را دارد. در مورد فحوا و بافت جمله
عوامل زمین‌ساز عیب‌زده از اصول، کلماتیک، با عبارت‌هایی که در پرآوران یک عنصر
کلامی قرار دارند، اما غیر از عوامل زبانی، عوامل فرا زبانی بر ساختن فحوا و بافت
ساخت نقش دارند (داده، ۱۳۸۷: ۷۱). مقصود از عوامل فرا زبانی، عوامل بیرون از دایره
زبان است، عواملی که: شرایط محتوای، عوامل اجتماعی و فرهنگی و شانزده آیات
است، در حقیقت توجه به سبک به عنوان ابزاری مهم در دریافت مقصود آیات به طور
غیر مستقیم بر ترجمه قرار ارگذار است: چرا که معنای بس مهم در تعیین نقش
واژگان، معنای آن و کاهش اختیار یک وجه از معنای بهداشت (زکریا، قاسم‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۵). برای
نمونه در این آیه از سوره نازعات: "و (الناظرات نظارت)" با نام "واژگان" از
واژگان دیگر معنایی است که زمین‌ساز معنایی "فتوکاری"، "ملاتکه" و "سبان
جنگی" برای آن ذکر کرده است (زکریا، ۱۳۸۱، ج. ۴: ۶۶). می‌توان "نمای ایال"
نیز افزون بر این معنایی، "کمنده" و "جنگ مؤمنان" را از دیگر معنای این واژه برای شمرد
(طیرین، ۱۳۸۲، ج. ۱۰: ۶۶۲). بیان هر یک از این معنایی با نگاهی به گونه‌ای می‌توان
مناسب با تفاضل آیه و فحوا سورة دانست، با در نظر گرفتن در ترجمه‌های فارسی این آیه،
روشان می‌شود که علاوه بر ذکر معناى «فرشگاه» در ترجمه‌های معاصر، معنی‌گر دیگر آن، یعنی «ستارگان» و «جان مؤمنان» نیز در بیشتر از ترجمه‌ها متأخر به قرار گرفتن است.
فرشی: «قسم به خراج شونده، خراج شدید» (مقصود جوان مؤمنان است).
طلالقی: «رها شونده سبک سیره».
میبدی: «به ستارگان که از شرق در می‌گردد و می‌رونده، به مغرب رسند».
مشکینی: «و به فرشگاهی که ارواح مؤمنان می‌بادد».
ستارگانی که از شرق به آرامی بیرون آنند (و به سوی مغرب رونده).
طاهری: «بپاده‌ای رحمت آرزو».
در تحلیل ترجمه این لفظ مبارک آرزوی فراوان گفت که هر چند هر یک از این معانی ذکر شده با فضایی آنی مطابق بوده و تعارضی در برداشت‌های تفسیری مختلف از این لفظ وجود ندارد، ولی ترجمه این واژه به «فرشگاه» با سبب‌آیات‌که در بین معاد و روز قیامت است تناسب بیشتری دارد؛ علاوه بر آن، آیه به‌نام «الفاتنیات آفرین» (نازعت ۵) با مقصود آیه اول در ارتباط است. روایت حضرت‌امیرالمؤمنین (ع) نظر تصدیق کننده این تکنی است، ان که در تفسیر (الفاتنیات غربی) (نازعت ی) فراهم‌اندازه «منظور فرشگاهی است که ارواح کفار را از بدن‌هاشان به شدت بیرون می‌کشند، این آنان که تیرانداز کم‌ران را تا آخرین مرحله می‌کشند» شباهت همین معنی از آن حضرت (ع) در تفسیر «ناشتات» و نیز تفسیر «السانا» و «فارما» نقل شده است.
۶ - نتیجه‌گیری
پایه‌گذاری چندمنایی، از نهاد مقوله‌اشتراک لفظی بیرون می‌آید، بی‌پایه‌ای که منزى دقیق و روش‌های میان آنها در میان قدمان نگشته است، حال این که زبان‌شناسی جدید به بیان تمایز آن دو اهمت داشته و برخلاف زبان‌شناسی آن را پیش‌بینی جدا از اشتراک لفظی می‌داند.
در برگدنان برخی از این نوع از وازگان، مترجمان یکدست نبوده و معانی مختلفی از یکدیگر انتخاب نموده‌اند. روند کلی ترجمه‌ها ذکر و جهت غالب در معانی ست، هرچند که گاه در برخی از ترجمه‌های آزاد (تفسیری)، مترجم با افزوده‌هایی وجوه معنایی لفظ را تیپین می‌نماید.
- از مهم‌ترین راه‌کارهایی که می‌باشت در فرایند ترجمه وازگان چند معاونی به آن توجه کرد، بررسی روابط بین‌انتمی آیات، سیاق و بافت آنها، و اهمت‌سازه با جنبه‌هایی جوون ریشه‌شناختی وازه و بررسی متن تفسیری است.

7- منابع
* قرآن کریم
فارسی:
1- آینی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن کریم، نهران: انتشارات سروش، (1374ش).
2- ارفق، سید کاظم، ترجمه قرآن کریم، نهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، (1381ش).
3- استاد ولی، حسین، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات اسوه، (1383ش).
4- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات اسوه، (1383ش).
5- بهرامی، ابولفضل، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات اسوه، (1392ش).
6- گامباد، ابولقاسم، ترجمه قرآن کریم، نهران: جوارقان، (بیرا).
7- پرچم، أعظم؛ شامی، نصرالله، نشان و کارکرد اشراف سیاق و سیاق در داشت و جوهر قرآن و ترجمه‌های فارسی آن، اصفهان: پنجم علی، (1391ش).
8- داد، سما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، نهران: مروری، (1387ش).
9- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن کریم، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالدکر، (1383ش).
10- شعری، حمیدرضا، مبانی معانی‌ناسی، تهران: سمت، (1391ش).
11- صفی، کورش، درآمده بر مبنیه نشانسی، نهران: سوره مهر، (1379ش).
12- هفتم کتاب دریا، ترجمه، نهران: نشر مرکز، (1390ش).
13 - صلواتی، محمود، ترجمه قرآن کریم، تهران: مبتکر، (1387‌ش).
14 - طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشارات (1362‌ش).
15 - عواد، سلوی محمد، بررسی زیان‌شناسی وجوه و نظرات در قرآن کریم، ترجمه حسین سیدی، مشهد: انتشارات قدس رضوی، (1382‌ش).
16 - فولادنیا، محمدمهدی، ترجمه قرآن کریم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، مشهد، مرکز نشر کتاب‌ها، (1377‌ش).
17 - فیلسی استادی، علی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه (1378‌ش).
18 - قریشی، علی اکبر، تفسیر انسان الحدیث، تهران: بنیاد بز، (1377‌ش).
19 - کیانی، امیر جعفر محمد بن عقوب، کمال، تهران: دارالکتب اسلامی، (بی‌نا).
20 - گریمارودی، سید علی، ترجمه قرآن کریم، تهران: انتشارات قوامی، (1384‌ش).
21 - محمدی، علی، شرح اصول فقه استاد محمد رضا مظفری، قم: دارالکتب، (1383‌ش).
22 - مختاری، احمد، معناشناسی ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، (1386‌ش).
23 - مشکینی، علی، ترجمه قرآن کریم، قم: نشر الهادی، (1381‌ش).
24 - معرفت، محمد‌هادی، تفسیر و مفهوم هنر، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، (1379‌ش).
25 - فکری شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (1373‌ش).
26 - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نعومی، تهران: دارالکتب اسلامی، (1374‌ش).
27 - مهدی، الهی قمشه‌ای، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات قطب‌الزهرا، (1380‌ش).
28 - مهدیی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و علة الأسرار، تهران: امیرکبیر، (1371‌ش).
29 - نجیب، علی، اصول و مبانی ترجمه قرآن، تهران: مین، (1381‌ش).
30 - نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید حسین شهیدی، چابهار، تهران: انتشارات و آموزش اقلام اسلامی، (1372‌ش).
31 - وحیدان کامیار، ثاپی، بیدار از دیدگاه زیان‌شناسی، تهران: سمت، (1390‌ش).
32 - باقری، محمود، ترجمه قرآن کریم، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، (1415‌ق).
العربية:

1 - آلوسي، سيد محمود، روح المعلق في تفسير القرآن العظيم، بروت: دار الكتب العلمية (1415 هـ).


3 - ابن رقيق الحراني، ابن الحسن، العدالة في محاكم الشعر آلهاء ونقد، بروت: دار الجليل (1401هـ).

4 - ابن فارس، أحمد، معجم مفاتيس اللغة، بروت: دار الكتب العلمية (1399هـ).

5 - ابن منظور، محمد بن مكرم، سنجان العرب، بروت: دار الصادق، (1939هـ).

6 - ابنا، ابنا، دالات الفاظ، قاهره: مكتبة الأزهر المصرية (1984هـ).

7 - بناو، فرانك، نماذج تأثر بالمعنى، بروت: فرانك باهر، جابر حسين، نشر مركز (1385هـ).

8 - تلفيسي، أبو الفضل، وجه القرآن في إصلاح القرآن، (1939هـ).

9 - راغب الصويغلي، حسين بن محمد، مقدرات الفاظ القرآن، الطبعة السادسة، توزع فوق الفاظ، (1946هـ).

10 - زركش، بدر الدين بن عبد الله، الأعلام في علوم القرآن، تحقيق: محمد ابو الفضل عبد الهام، بروت: دار الجليل (1408هـ).

11 - زمخشري، محمد بن عمر، التوكال، تحقيق: محمد بن عبد الله، الرحمانية في علوم القرآن، تحقيق: محمد ابو الفضل عبد الهام، بروت: دار الجليل (1408هـ).

12 - سوزيتي، جلال الدين عبد الرحمن، معرفة الفاظ في إصلاح القرآن، ج1، بروت: دار الكتب العلمية (1988هـ).

13 - طباطبائي، محمد حسين، الفاظ في تفسير القرآن، ج 1، مؤسسة مطبوعات طهران، (1341هـ).

14 - طبرسي، كمال الدين بن محمد، مقدرات الفاظ القرآن، ج 1، دار الجليل (1981هـ).

15 - طيار، حصاد بن سليمان، تفسير النحو في القرآن الكريم، بروت: دار ابن الجوزي، (1322هـ).

16 - طهري، حسین، معرفة الفاظ في القرآن الكريم، تحقيق: محمد نعيم، دانشگاه تهران (1389هـ).


مجلة:

1 - رضوان النجار، نادية: "العدالة الدلالي بين النظر والتطبيق: نسخة وموجبة"، نشر بكتاب المؤلف العلمي النعمان للكتاب دار الغد (1370هـ).

2 - فهيم بدر، حسن، "نقد وارثات ترجمة القرآن في زبان فارسي برأساک باللغة"، مبنايوه (1384هـ).

3 - قاسم نادر، زاهر، "الحقوق أبعاد و أهمية أن در ترجمة القرآن"، ترجمان وحي، شماره 32 (937هـ).